

فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

- واکاوای فقهی و حقوقی خیار مجلس در معاملات الکترونیکی / سید محمد حسینی دره صوفی
- بررسی عوامل نابهنجاری فرهنگی پارلمان افغانستان با رویکرد فرهنگ اسلامی / محمد جمعه حسینی
- دیدگاه شمس تبریزی پیرامون عقل و کار بست آن در آموزه های کلامی / دکتر سید جمال الدین موسوی
- نگاهی به عادات پسندیده و نکوهیده از دیدگاه قرآن کریم / سید محمد علی حسینی (زهرایی)
- کار بست مدیریت تغییر در سازمان / دکتر سید عباس موسوی؛ سید رضی موسوی
- پیشگیری فعال از تخریب محیط زیست در آیات و روایات / دکتر سیف الدین سلیمی
- شرط تنجیز در دعوا / دکتر محمد علی عیلهادی

عنوان: فصلنامه علمی نیسم کوثر
مدیر مسئول: سید مهدی حسینی
سرمدیر: سید محمد حسینی دره صوفی
ویراستار: سید محمد نقوی
مدیر داخلی: سید محمد رضا علوی
گرافیسٹ: سید محمود محسنی
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰,۰۰۰ تومان
صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)
شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶
سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir
ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com
دفتر مرکزی و محل چاپ: افغانستان: مزار شریف

نگاهی به عادات پسندیده و نکوهیده از دیدگاه قرآن کریم

سید محمدعلی حسینی (زهرایی)^۱

✦ چکیده

در این تحقیق نویسنده در پی برشمردن برخی از عادات پسندیده و نکوهیده از منظر قرآن کریم است. چه عاداتی مورد تأیید اسلام و چه عاداتی که اسلام آن را نکوهش کرده است؛ مانند: اهداء سلام به همدگر، صداقت و راست‌گویی، تواضع و فروتنی در برابر یکدیگر، همیشه به یاد خداوند متعال بودن در تمام حالات، علم‌آموزی و یاد دادن آن به دیگران، امر به زیبایی‌ها، احسان و احترام به والدین و چه عاداتی که ناپسند و مذموم باشند که زندگی انسان را به سمت تباهی و سقوط سوق می‌دهند مانند: زنده‌به‌گور کردن دختران، حریص بودن که باعث تضییع حق بقیه‌ای انسان‌ها می‌شود، از یاد بردن یاد خدا، نفاق و دورویی، پیروی کورکورانه از سرگذشت پیشینیان، مرتکب شدن اعمال ناشایست، عادت به دروغ‌گویی که سلب اعتماد اجتماعی را در پی دارد، خودارضایی، نوشیدن مشروبات الکلی، کفران نعمت‌های پروردگار، کم‌فروشی و ده‌ها عادت‌های پسندیده و نکوهیده‌ای که احصاء و شمارش آنان در این مقاله گنجایش ندارد.

کلیدواژه: قرآن کریم / عادات پسندیده / عادات نکوهیده / تربیت / عادات.

۱. دانش‌پژوه دکترای قرآن و علوم (باگرایش تربیتی) جامعه‌المصطفی‌العالمیه (مشهد مقدس)

✦ مقدمه

در قلمرو تعلیم و تربیت، مکاتب تربیتی روش‌های متفاوتی را عرضه می‌کنند. در این میان، اسلام نیز روش مخصوص به خود را دارد. به عبارت دیگر، «تربیت اسلامی» نشان‌دهنده‌ی طرح اسلام در ساختن و پرداختن انسان است. اینکه با چه قواعد و شیوه‌هایی باید حرکت را در انسان آفرید، ناظر به روش‌های تربیتی اسلام هست. (خسرو باقری: ۱۳۷۴، ص ۳۷). شیوه‌ی اسلام برای تربیت عبارت است از رسیدگی همه‌جانبه به سرشت و آفرینش بشر؛ یعنی هم به تربیت جسم می‌پردازد، هم عقل و هم روان. (محمد قطب: ۱۳۷۵، ص ۹). برای این هدف، وسیله‌ها (روش‌ها)ی چندی به کار می‌برد. یکی از این روش‌ها، تمرین و تکرار و عادت دادن است که تاکنون مورد توجه اکثر مربیان بزرگ بوده است. البته این روش مورد تأکید برخی از روان‌شناسان و متخصصان تربیتی زمان معاصر نیز هست. (احمدی: ۱۳۸۰، ص ۷۰).

در یک نگاه کلی می‌توان گفت: تربیت دارای روش‌ها و شیوه‌های متعدد و متنوع است. یکی از روش‌های تربیتی که دانشمندان علوم تربیت، روانشناسان و علمای اخلاق، از آن بهره برده است ایجاد و سپس تقویت عادت‌های پسندیده در کودک، جوان، نوجوان و حتی بزرگسالان است و سعی و تلاش برای کنار گذاشتن عادت‌های مذموم و نکوهیده در زندگی است. وقتی انسان، عملی را به‌طور مستمر تکرار کرد به تدریج به آن خو کرده و حالتی در نفسش به وجود می‌آید که اصطلاحاً عادت نامیده می‌شود. انسان معتاد با عمل مزبور، انس و الفت خاصی پیدا می‌کند و طبعاً تمایل دارد آن را ادامه دهد.

ممکن است انجام عملی برای انسان در آغاز، دشوار و حتی ناگوار باشد ولی بعد از تکرار و حصول انس با آن، آسان و گوارا می‌گردد، به گونه‌ای که گویا از طبیعت صادر می‌شود و یک فعل طبیعی و فطری است.

✦ مفهوم شناسی

تاکنون برای عادت تعریف جامع و توصیف کاملی صورت نگرفته است. حتی در روان‌شناسی کلاسیک و مکاتب فلسفی مختلف نیز در این باره اتفاق نظری وجود ندارد و هر گروه عادت را به‌نوعی و هر دسته به وجهی تعبیر نموده‌اند.

در فرهنگ فارسی عادت به «خوی یا کاری که انسان به خود بگیرد و در وقت معین

نگاهی به عادات پسندیده و نکوهیده از دیدگاه قرآن کریم * ۷۷

انجام دهد» معنا شده است. (حسن عمید، ذیل واژه عادت) ابن سینا آن را تکرار زیاد یک عمل در زمان‌های نزدیک به هم می‌داند که در درازمدت ادامه یابد. (عطاران؛ ۱۳۶۶، ص ۴۰). در فرهنگ علوم تربیتی، عادت به حالت خاصی از رفتار اشاره دارد که کسب یا تحصیل می‌شود. (فرهمنی فراهانی؛ ۱۳۷۸، ص ۲۵۳). در عربی هم به همین معنا آمده است: عادت یعنی کاری را تکرار کردن، وقتی عرب می‌گوید اعاد الشیء یعنی کاری را دوباره انجام دادن بنابراین اعاده نماز یعنی دوباره انجام دادن آن. اعتاده و تعوده یعنی کار یا چیزی عادت او قرار گرفته است. (طریحی. ۱۴۱۶ عادت؛ اسمی است برای تکرار کار و حالت انفعالی تا اینکه انجام آن فعل وانفعال بر انسان آسان می‌شود و مثل طبیعت و سرشت درمی‌آید از این رو گفته شده: العادة طبیعة ثانية. (راغب اصفهانی؛ ۱۴۱۲، ج ۲، ۶۶۷). در مجموع می‌توان گفت عادت تکرار یک فعل است که جزء رفتار انسان شده و بدون دلیل و صرف وقت بر حسب عادت آن فعل از انسان صادر می‌گردد چه در جنبه‌های مثبت و چه در جنبه‌های منفی رفتار.

✽: قرآن کریم و عادات

آیات قرآن کریم به‌عنوان یک متن وحیانی، جاوید، جامع، کتاب هدایت و تربیت؛ چنانکه خدای متعال فرموده است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹) و یا، «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ.» (انعام: ۵۹). و همچنین روایات صادره از ناحیه معصومان(ع)، به عادات پسندیده و نکوهیده پرداخته است یا خیر؟ پاسخ سؤال مثبت است؛ اما باید گفت که واژه عادت به‌طور صریح در قرآن کریم نیامده؛ بلکه خدای منان در قرآن کریم از واژگان دیگری مانند: دأب، خُلُق، وجد، شاکله، لفی، مشتقات کان، کنتم، ترکیب کان و فعل مضارع، کان و صفت، سنت، عرف، دین، الفت و واژه مرد، برای تبیین این مفهوم (عادت) بهره برده است. برخی از این واژگان به‌وضوح دلالت بر معنای عادت دارند و از برخی دیگر به‌صورت غیر مستقیم می‌توان این معنا را برداشت کرد. می‌توان استنباط کرد که در شبکه معنایی قرآن، اصل واژه عادت به معنای کار یا صفتی است که به‌طور مستمر در اجتماع تکرار می‌شود، بر جامعه سیطره پیدا کرده و جزئی از خوی و طبیعت انسان‌ها قرار می‌گیرد؛ و این معنا را می‌توان در عبارت:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ

يَا مُرْهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ. « (اعراف: ۱۵۷) یافت به این معنا که فلسفه بعثت انبیاء، تربیت انسان‌ها از طریق ایجاد عادات خوب و ترک عادات بد و نیز رها کردن جامعه از بندهایی است که به خاطر تکرار و سیطره بر جامعه، انسان‌ها ناخواسته و بدون دلیل بر تکرار آن‌ها اصرار دارند.

عادت جزئی از طبیعت انسان محسوب می‌شود. عادت خوب و پسندیده معرف و بیان‌گر بخشی از طبیعت و هویت انسان است و اگر انسان بخواهد به خلق نیکو شناخته شود، باید بهترین خلق را انتخاب کند و سعی کند که آن را عادت خود قرار دهد.

• (۱-۲) عادات پسندیده

در اینجا به تبیین برخی از عادات پسندیده از منظر کلام وحی می‌پردازیم و سعی مان بر این باشد تا در مسیر تربیت مطلوب این عادات را در خود و فرزندانمان پرورش بدهیم.

* (۱-۲) سلام کردن

تا آنجا که می‌دانیم تمام اقوام جهان هنگامی که به هم می‌رسند برای اظهار محبت به یکدیگر نوعی تحیت دارند که گاهی جنبه لفظی دارد و گاهی به صورت عملی است. در اسلام نیز سلام یکی از روشن‌ترین تحیت‌ها است بنابراین طبق آیه ۸۶ سوره نساء همه مسلمانان موظف‌اند که سلام را به طور عالی تر و یا لا اقل مساوی جواب گویند: «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا» (نساء: ۸۶). سلام کردن یک نوع اعلام دوستی و صلح و ترک مخاصمه و جنگ محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی: ۱۳۷۴ ج ۴، ۴۳). در قرآن کریم ۴۲ مرتبه این کلمه در آیات آمده است که معانی گوناگون دارند؛ بنابراین اسلام با این تأکید می‌خواهد ما به سلام کردن عادت کنیم که خود یک عادت پسندیده و نیکو جهت داشتن یک زندگی مسالمت‌آمیز است.

* (۲-۱-۲) صداقت و راست‌گویی

دیگر از عادات پسندیده از نگاه قرآن کریم صداقت و راستی در تمام مراحل زندگی و

نگاهی به عادات پسندیده و نکوهیده از دیدگاه قرآن کریم * ۷۹

حتی همراهی راست‌گویان و پیروی از آنان است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ.» (توبه: ۱۱۹).

کلمه صدق در اصل به معنای این است که گفتار و یا خبری که داده می‌شود با خارج مطابق باشد و آدمی را که خبرش مطابق با واقع و خارج باشد صادق می‌گویند. لیکن از آنجایی که به‌طور استعاره و مجاز اعتقاد و عزم و اراده را هم قول نامیده‌اند در نتیجه صدق را در آن‌ها نیز استعمال کرده، انسانی را هم که عملش مطابق با اعتقادش باشد و یا کاری که می‌کند با اراده و تصمیمش مطابق باشد و شوخی نباشد، صادق نامیده‌اند. (علامه طباطبایی: ۱۳۷۴، ج ۹، ۵۴۸). صداقت در قرآن کریم با اشکال مختلف به‌طور فراوان بیان گردیده است که آیه فوق به‌عنوان نمونه ذکر گردید.

* ۲-۱-۳) تواضع

ناگفته پیداست که تواضع و فروتنی نقطه مقابل تکبر و فخر فروشی است و جداسازی بحث‌های کامل این دو از یکدیگر مشکل یا غیر ممکن است؛ لذا هم در آیات و روایات اسلامی و هم در کلمات بزرگان اخلاق این دو به یکدیگر آمیخته شده است، نکوهش از یکی ملازم تمجید و ستایش از دیگری است و ستایش از یکی همراه با نکوهش از دیگری هست، درست مثل اینکه بحث‌های مربوط به ستایش و تمجید از علم جدای از نکوهش از جهل نیست و نکوهش از جهل همراه ستایش علم است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ...» (مائده: ۵۴)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدایانی نمی‌رساند؛ خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد؛ و (فضل) خدا وسیع و خداوند داناست.»

در راه ایمان و شکستن سنت‌ها و عادات جاهلی نباید از سرزنش‌ها هوشیاری‌ها و تبلیغات سوء دشمن ترسی داشت و تسلیم جو و محیط شد. رفتار مسلمان، نرمش با برادران

دینی و سرسختی در برابر دشمن است و هیچ‌یک از خشونت و نرمش، مطلق نیست. (قرآنی: ۱۳۸۳؛ ج ۲، ۳۱۶).

* ۲-۱-۴) یاد خدا بودن

قرب و نزدیکی به خدا تنها به وسیله یاد خدا و ذکر او حاصل می‌شود و شرط این‌که کسی در زمره مقربین داخل شود این است که همواره از روی بیم و امید قلباً به یاد خدا باشد و نگذارد غفلت در دلش رخنه کند؛ یعنی تنها به وسیله ذکر واقعی است که حجاب‌ها و حائل‌های بین خدا و بنده‌اش برطرف می‌گردد انسان بیشتر به یاد خدا باشد به همان اندازه سعادت‌مندتر است.

خداوند متعال فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» (احزاب/۴۱). و نیز فرموده: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.» (رعد/۲۸) «آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد!»

و بیارامد دل‌های ایشان به یاد خدای تعالی، یعنی چون ذکر الهی شنوند، بدان آرام یابند و انس گیرند و امیدوار باشند به فضل او. یا دل ایشان به توحید سبحانی مطمئن است. یا به ذکر رحمت او بعد از قلق از خشیت آرام شود، یا به ذکر دلایل دالّه بر وجوب وجود و وحدانیت او و یا به کلام او که قوی‌ترین معجزات است اطمینان حاصل کنند. (حسینی شاه‌العظیمی: ۱۱۳۶۳، ج ۶، ۳۸۲).

* ۲-۱-۵) تعلیم و تدریس

تعلیم به معنای یادگرفتن و دانش آموختن است؛ چنان‌که تعلیم به معنای آموختن و آموزش دادن است. (دهخدا، ج ۴، ۵۹۷۱). (فرهنگ فارسی، ج ۱، ۱۱۰۳) تعلیم و تعلم برگرفته از واژه علم و از مشتقات آن است که در باب تفعیل و تفعل (ثلاثی مزید) به کار رفته است تا معنای آموزش دادن و نیز آموزش گرفتن را بیان دارد.

مشتقات واژه علم در قرآن بسیار آمده است. در بسیاری از آیات قرآن خداوند خود را معلم و آموزگار معرفی کرده است. به عنوان نمونه در سوره الرحمن می‌فرماید: «الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ

نگاهی به عادات پسندیده و نکوهیده از دیدگاه قرآن کریم * ۸۱

الْقُرْآنَ» (الرحمن/ ۱ و ۲) و یا در سوره علق می فرماید: «اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (علق/ ۳ و ۴).

* ۲-۱-۶) امر به معروف

آیات قرآن که دلالت بر امر به معروف و نهی از منکر می کنند فراوان است که به عنوان نمونه به یک آیه اشاره می کنیم:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَآلِهِمْ خَيْرٌ لِّكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران: ۱۱۰).

خداوند سبحان فضیلت و برتری امت [اسلامی] را به ایمان داشتن به او و نیز انجام دادن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، وابسته کرده است. بنابراین، معنای آیه چنین می شود: ای مسلمانان! نگویید ما بهترین امت ها هستیم، مگر این که امر به معروف و نهی از منکر کنید و به محض این که از انجام دادن این وظیفه خودداری نمایید، امت برتر نخواهید بود. (طبرسی: ۱۳۶۰، ج ۲، ۲۱۶).

* ۲-۱-۷) احسان به والدین

یکی از واجبات شرعی اطاعت والدین است مثل اطاعت زوجه زوج را و اطاعت عبید و اما موالیان خود را لکن مادامی که مخالفت اوامر و نواهی شرع نباشد؛ مثل اینکه بگوید نماز واجب را نکن یا امر به ترک سایر واجبات مثل صوم، زکاة، خمس، حج، یا امر به فعل معاصی مثل ساز، آواز، شرب و غیر این ها نباید اطاعت کرد چه رسد به امر به کفر و شرک و ضلالت و پدر و مادر واجب النفقه هستند در صورتی که خود نداشته باشند. (طیب: ۱۳۷۸، ۱۰، ۲۹۴). لذا می فرماید:

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ...» (عنکبوت/ ۸).

خداوند متعال، نیکی به پدر و مادر را به صورت یک قانون کلی برای همه انسان ها بیان می کند؛ لذا تعبیر به انسان در این آیه می فهماند که این قانون، مخصوص مؤمنان نیست؛ بلکه بر همه انسان ها است احترام و نیکی به آن ها را در برنامه زندگی خود قرار دهند، هر چند با این

۸۲* فصلنامه علمی نسیم کوثر / زمستان ۱۴۰۰ / شماره ۳

اعمال هرگز نمی‌توانند دین خود را به آن‌ها ادا کنند.

خداوند متعال عادت‌های پسندیده‌ای فراوانی را در قرآن کریم بیان فرموده و برای هر کدام آیات زیادی را آورده است که این نوشتار تمام عادت‌های پسندیده را گنجایش ندارد؛ لذا آنچه گفته شد به‌عنوان نمونه‌های از عادات پسندیده بود.

• (۲-۲) عادات نکوهیده

قرآن کریم به‌عنوان قانون اساسی اسلام، وارد جزئیات مسائل و احکام نشده بلکه به‌صورت کلی اشارات کلی فرموده و تفصیل آن‌ها را به سنت نبوی و روایات معصومین علیهم‌السلام کرده است. یکی از آن موارد بی‌شمار عادت‌های مذموم و ناپسند است که خدای منان به‌صورت کلی و با اشاره بیان کرده و ما به تعدادی از عادات نکوهیده‌ای مطرح در کلام وحی اشاره می‌کنیم:

* (۱-۲-۲) زنده‌به‌گور کردن دختران

قرآن به‌صراحت در سوره نحل، زنده‌به‌گور کردن دختران را که از عادت بسیار زشت در دوران عرب جاهلی بوده است محکوم کرده و می‌فرماید: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ، يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ.» (نحل/ ۵۸ و ۵۹).

«درحالی‌که هرگاه به یکی از آن‌ها بشارت دهند دختری نصیب تو شده صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می‌شود و مملو از خشم می‌گردد! از قوم و قبیله خود به خاطر بشارت بدی که به او داده‌شده متواری می‌گردد (و نمی‌داند) آیا او را با قبول ننگ نگه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟ چه بد حکمی می‌کنند؟!»

در عصر جاهلی، داشتن دختر را از آن جهت ناپسند می‌داشتند که در جنگ‌ها دختران اسیر دشمن می‌شدند و این ننگ و عاری برای آنان بود، دیگر این‌که طبق رسوم جاهلی پسران کار می‌کردند و به خانواده سود می‌رساندند ولی دختران فقط مصرف‌کننده بودند. گاهی هم در عصر جاهلی، فرزندان خود را- چه پسر و چه دختر- به جهت فقر و تنگدستی و از ترس این‌که نتوانند خوراک او را تأمین کنند می‌کشتند. (جعفری: بیتا، ج ۶، ۱۵۴). و آیاتی دیگری که پرده

نگاهی به عادات پسندیده و نکوهیده از دیدگاه قرآن کریم * ۸۳

از این عادت زشت عرب جاهلی برمی‌دارد؛ البته باید دانست که این عادت مذموم منحصر در میان اعراب و تاریخ گذشته نبوده بلکه در عصر حاضر نیز چنین اقداماتی ناشایستی در گوشه و کنار جهان صورت می‌گیرد و قرآن ما را از این عادت ناپسند باز می‌دارد.

* ۲-۲-۲) حریص بودن

از صفات و عادات ناپسند، طمع‌ورزی انسان است که خداوند به کرات بدان اشاره نموده و در آیاتی این موضوع را مطرح فرموده است از جمله:
«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا.» (معارج: ۱۹). «به یقین انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده است،»

آیه مبنی بر توییح است به این‌که بشر بر حسب طبع و رذیله خودخواهی پیوسته در مقام جلب نفع و سود برمی‌آید به گمان اینکه کمال او در به دست آوردن نفعی است به‌طور حصر و دیگران بی‌بهره باشند.

آیه از جمله رذایل خلقی صفت هلع را معرفی نموده به معنای شدت حرص در جمع‌آوری مال است و از لوازم خودخواهی و سودجوئی است از این نظر هر خیر و سودی را برای خود می‌خواهد و رشک می‌ورزد از اینکه به دیگری خیری برسد و هر چه بتواند بر حقوق مردم تجاوز نماید و چنانچه مال دیگران را به دست آورد حیف و میل نماید و از حرص و طمع هر خیر و نفعی را برای خود بخواهد هم‌چنین از اداء حقوق مردم امتناع نماید. (حسینی همدانی: ۱۴۰۴ ق، ج ۱۷، ۷۶).

* ۳-۲-۲) غفلت از یاد خدا

دیگر از عادات مذموم که باعث مصیبت و گرفتاری‌های فراوان در زندگی انسان می‌گردد؛ غفلت از یاد خدای متعال بوده و پیامدهای ناگواری بر آن مترتب می‌گردد:
«وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى.» (طه/۱۲۴).
«و هر کس از یاد من روی‌گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را نابینا محسور می‌کنیم!»

صاحب تفسیر جامع در ذیل آیه روایتی جالبی را نقل نموده است: در کافی از آن حضرت

روایت کرده فرمود مراد آن است کسی که از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، اعراض نموده و دوری بجوید و فرمود چنین شخصی در قیامت کور می شود بجهت آن است که در دنیا کور باطن بوده و دلش نابیناست از ولایت امیرالمؤمنین و خداوند می فرماید من او را ترک نموده و در آتش جهنم خواهم افکند برای خاطر آنکه در دنیا ائمه دین را ترک نموده و اوامر آنها را اطاعت نکرده و فرموده های ایشان را گوش نگرفته و چون به آیات خداوند که امیرالمؤمنین و ائمه معصومین هستند ایمان نیاورده و به ولایت به ایشان توسل نجسته ائمه نیز در قیامت او را رها نموده و به عذاب سخت و دردناکی گرفتار می شوند امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه فرموده منظور از مَعِيشَةً صَنُكًا عذاب در قبر است. (بروجردی: ۱۳۶۶، ج ۴، ۳۰۹).

* ۲-۲-۴) نفاق و دورویی

یکی از مسائل مهمی که در سوره های مختلفی از قرآن مورد بحث قرار گرفته است، مسئله «نفاق» است و قرآن از گروهی به نام «منافقین» یاد می کند که ما در فارسی از آن به «دورو» یا «دو چهره» تعبیر می کنیم. این گروه که نه اخلاص و شهادت برای ایمان آوردن داشتند و نه قدرت و جرئت بر مخالفت صریح، در صفوف مسلمانان واقعی نفوذ کرده بودند و از آنجاکه ظاهری اسلامی داشتند، غالباً با شناخت آنها مشکل بود که قرآن بایبان نشانه های دقیق وزنده خط باطنی آنها را آشکار می سازد. (مکارم شیرازی: ۱۳۷۴، ج ۱، ۹۳). از آنجاکه اسلام در طول تاریخ خود بیشترین ضربه را از منافقان خورده است، سخت ترین حملات خود را متوجه منافقان ساخته و آن قدر که آنها را کوبیده هیچ دشمنی را نکوبیده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ.» (بقره/۸)، نکته حائز اهمیت این است که هیچ کدام از امامان معصوم (علیهم السلام) ما توسط کفار و مشرکین به شهادت نرسیده اند و همگی به دست همین منافقان به ظاهر مسلمان شهید شده اند که خود جای بسی تأمل است.

* ۲-۲-۵) تقلید کورکورانه از گذشتگان

یکی از عادات مذموم که باعث دین گریزی هم می گردد پیروی کورکورانه از گذشتگان ناصالح است که انسان را به وادی سقوط می کشاند چنانکه خداوند متعال فرموده است:

«وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَ

نگاهی به عادات پسندیده و نکوهیده از دیدگاه قرآن کریم * ۸۵

إِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ، قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ. « (زخرف/ ۲۳ و ۲۴).

«و این گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبر انذار کننده‌ای نفرستادیم مگر اینکه ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند: «ما پدران خود را بر آئینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می‌کنیم. (پیامبرشان) گفت: آیا اگر من آئینی هدایت بخش تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافتید آورده باشم (باز هم انکار می‌کنید)؟!» گفتند: (آری)، ما به آنچه شما به آن فرستاده شده‌اید کافریم!» از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که سردمداران مبارزه با انبیا و آن‌ها که مسئله تقلید از نیاکان را مطرح می‌کردند و سخت‌روی این مسئله ایستاده بودند همان «مترفون» بودند، همان ثروتمندان مست و مغرور و مرفه، زیرا «مترف» از ماده «ترفه» (بر وزن لقمه) به معنی فزونی نعمت است و از آنجاکه بسیاری از متعلمان غرق شهوات و هوس‌ها می‌شوند کلمه مترف به معنی کسانی که مست و مغرور به نعمت شده و طغیان کرده‌اند آمده؛ و مصداق آن غالباً پادشاهان و جباران و ثروتمندان مستکبر و خودخواه است، آری آن‌ها بودند که با قیام انبیا به دوران خودکامگی هایشان پایان داده می‌شد و منافع نامشروعشان به خطر می‌افتاد و مستضعفان از چنگال آن‌ها رهایی می‌یافتند و به همین دلیل با انواع حیل و بهانه‌ها به تخدیر و تحمیق مردم می‌پرداختند و امروز نیز بیشترین فساد دنیا از همین «مترفین» سرچشمه می‌گیرد که هر جا ظلم و تجاوز و گناه و آلودگی است آنجا حضور فعال دارند. (مکارم شیرازی: ۱۳۷۴، ج ۲۱، ۳۸).

* ۲-۲-۶ ارتکاب فحشا

به هر کار یا گفتار بسیار زشت («فاحشه») گفته می‌شود. (راغب اصفهانی: ۱۴۱۲، ۶۲۶). برخی معتقدند معنای اصلی «فحش» زشتی و شناعت است و زمانی به خارج شدن یک شیء از حد و اندازه فاحش گفته می‌شود که بسیار ناخوشایند باشد. (ابن فارس، ج ۴، ۴۷۸). در قرآن کریم نیز به همین معنا به کاررفته به علاوه زنا، لواط، ازدواج با همسر پدر و... هرکدام از معانی را در نظر بگیریم، از منظر قرآن کریم، عادت زشت و ناپسندی است که برخی‌ها متأسفانه در طول زندگی‌شان گرفتار می‌شوند.

«إِنَّمَا يُأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَن تَقُولُوا عَلَىٰ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ.» (بقره/ ۱۶۹)، آیاتی مانند:

(یوسف/۲۴، نحل/۹۰، عنکبوت: ۴۵). به معانی فحشاء اشاره دارند.

اینکه معنای فحشاء چیست؟ بین مفسران دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد: برخی گفته‌اند: شیطان شما را به معاصی دعوت می‌کند بعضی گفته‌اند: مراد این است که شما را به انجام عملی که زیان‌بخش است دعوت می‌نماید این معنا بامعنای اول در نتیجه، یکی است. بعضی گفته‌اند مراد از آن زنا است ابن عباس می‌گوید: فرق میان «سوء و فحشاء» این است که سوء گناہانی است که حدی برای آن‌ها معین نشده است به خلاف فحشاء که برای آن‌ها کیفر معینی در شرع مقرر شده است. ابو مسلم می‌گوید: «مراد این است که شیطان مردم را وادار می‌کند که برای خداوند، شریک و فرزند قرار بدهند و کارهای خلاف عقل را به او نسبت بدهند». بعضی گفته‌اند این جمله شامل جمیع مذاهب فاسد و اعتقادات باطل می‌گردد. (طبرسی: ۱۳۶۰: ج ۲، ۱۵۹)، مراد هرچه که باشد از دیدگاه قرآن کریم و عقل سلیم مذموم و ناپسند است و عادت بدان موجب تباهی در زندگی دنیوی و اخروی می‌گردد.

* ۲-۲-۷) دروغ‌گویی

دروغ گفتن یکی از محرمات و آفت‌های خطرناک زبان است و دروغ از گناہان کبیره است. عادت به دروغ‌گویی در دنیا و آخرت انسان را از رحمت الهی محروم کرده و در میان مردم بی اعتبار می‌نماید و اعتماد عمومی را سلب و جامعه را به بیماری نفاق دچار می‌سازد و از آفات زبان و خراب کننده ایمان است. علت اصلی دروغ، عقده حقارت و خودکم‌بینی انسان دروغ‌گو است و این یکی از نکات روانی است که به‌عنوان روانشناسی اخلاقی در کلمات معصومین به آن اشاره شده است.

آیات و روایات بسیاری در زمینه زشتی دروغ سخن می‌گویند و آیات تکان‌دهنده‌ای حتی دروغ‌گورا در ردیف کافران و منکران آیات الهی می‌شمارند. «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَاذِبُ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ.» (نحل: ۱۰۵)، «تنها کسانی دروغ می‌بندند که به آیات خدا ایمان ندارند؛ (آری)، دروغ‌گویان واقعی آن‌ها هستند»

این آیه از آیات تکان‌دهنده‌ای است که در زمینه زشتی دروغ سخن می‌گوید و دروغ‌گویان را در سر حد کافران و منکران آیات الهی قرار می‌دهد، گرچه مورد آیه، دروغ و افترا بر خدا و پیامبر (ص) است، ولی به هر حال زشتی دروغ اجمالاً در این آیه مجسم شده است. (مکارم

شیرازی: ۱۳۷۴، ج (۱)، ۴۱۲.

* ۲-۲-۸) خودارضایی

بدون شک غریزه جنسی از غرایز سرکش انسان و سرچشمه بسیاری از گناهان است تا آنجا که بعضی معتقدند در تمام پرونده‌های مهم جنائی اثری از این غریزه دیده می‌شود؛ لذا کنترل و حفظ حدود آن از نشانه‌های مهم تقوی است و به همین دلیل بعد از ذکر نماز و کمک به نیازمندان و ایمان به روز قیامت و ترس از عذاب الهی کنترل این غریزه ذکر شده است. قرآن کریم می‌فرماید، استمناء و خودارضایی، امری حرام است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ، فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ.» (مؤمنون: ۵ و ۷). حضرت امام صادق علیه السلام واژه «وراء ذلك» را به استمناء تفسیر نموده‌اند.^۱ بنابراین یکی از عادات ناپسند که گناهی بسیار بزرگ و نابخشودنی است استمناء و خودارضایی است.

* ۲-۲-۹) شرب خمر

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و ازلام [نوعی بخت‌آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آن‌ها دوری کنید تا رستگار شوید!»
شراب‌خواری و میگساری در زمان جاهلیت و قبل از ظهور اسلام فوق‌العاده رواج داشت و به صورت يك بلای عمومی درآمده بود تا آنجا که بعضی از مورخان می‌گویند عشق عرب جاهلی در سه چیز خلاصه می‌شد: شعر و شراب و جنگ! و نیز از روایات استفاده می‌شود

۱. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى فِي نَوَادِرِهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سُئِلَ الصَّادِقُ عََنِ الْخَصْخَصَةِ (الاستمناء باليد). "مجمع البحرين) فَقَالَ إِنَّهُمْ عَظِيمٌ قَدْ نَهَى اللَّهُ عَنْهُ فِي كِتَابِهِ - وَفَاعَلَهُ كَنَاحِجَ نَفْسِهِ وَ لَوْ عَلِمْتَ بِمَا يَفْعَلُهُ مَا أَكَلْتَ مَعَهُ فَقَالَ السَّائِلُ فَبَيَّنْ لِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فِيهِ فَقَالَ قَوْلُ اللَّهِ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ وَ هُوَ مِمَّا وَرَاءَ ذَلِكَ فَقَالَ الرَّجُلُ أَيُّمَا أَكْبَرُ الرَّثَا أَوْ هِيَ فَقَالَ هُوَ ذَنْبٌ عَظِيمٌ قَدْ قَالَ الْقَائِلُ بَعْضُ الذَّنْبِ أَهْوَنٌ مِنْ بَعْضِ وَ الذَّنْبُ كُلُّهَا عَظِيمٌ عِنْدَ اللَّهِ لِأَنَّهَا مَعَاصِي وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مِنَ الْعِبَادِ الْعِصْيَانَ وَقَدْ نَهَانَا اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ لِأَنَّهَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ وَقَدْ قَالَ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ؛ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ. (حرعاملی: ۱۴۰۹، ج ۲۸، ۳۶۴).

که حتی بعد از تحریم شراب مسئله ممنوعیت آن برای بعضی از مسلمانان فوق العاده سنگین و مشکل بود تا آنجا که می گفتند: «ما حُرِّمَ عَلَيْنَا شَيْءٌ أَشَدَّ مِنَ الْخَمْرِ».

روشن است که اگر اسلام می خواست بدون رعایت اصول روانی و اجتماعی با این بلای بزرگ عمومی به مبارزه برخیزد ممکن نبود و لذا از روش تحریم تدریجی و آماده ساختن افکار و اذهان برای ریشه کن کردن میگساری که به صورت يك عادت ثانوی در رگ و پوست آنها نفوذ کرده بود، استفاده کرد. (مکارم شیرازی: ۱۳۷۴، ج ۵، ۷۰).

* ۲-۲-۱۰ کفران نعمت

خداوند متعال، آفریدگار و پرورش دهنده همه موجودات و به ویژه انسان است که از سر لطف و محبت بی انتهای خود می خواهد تا آنها را به کمالی درخور شأن و مرتبه وجودی شان برساند؛ بنابراین برای کسب کمالات، نعمت هایی را به آنان ارزانی داشته تا با به کارگیری صحیح آنها، راه رشد را پیموده و به او نزدیک شوند و از آن سرچشمه خیرات و خوبی ها بهره مند گردند. انسان نیز با درک این حقیقت و با استفاده صحیح از نعمت های الهی و اطاعت از اوامر و نواهی او، می تواند شاکر حقیقی خداوند گردد، اما بسیاری از انسان ها در اثر عوامل گوناگون، نعمت های الهی را کفران می کنند و از آن در راه رسیدن به سعادت، بهره نمی گیرند؛ بلکه در بسیاری موارد کفران نعمت های الهی برای خیلی ها تبدیل به یک عادت روزمره می گردد.

راغب اصفهانی در معنای «کفر» می نویسد: «کفر در لغت، به معنای پوشاندن شیء است و کفران نعمت؛ یعنی پوشاندن نعمت با ترک شکر کردن نسبت به آن. کفران در انکار نعمت، بیشتر استعمال دارد و کفر در انکار دین و کفور در هر دو یعنی هم نعمت و هم دین»، (راغب اصفهانی: ۱۴۱۲؛ ۴۶۱).

به عنوان نمونه به یک آیه اشاره می کنیم که خدای متعال عدم رضایتش را از بندگانی که شکر نعمت ندارند اعلام می فرماید: «... وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ.» (سبأ: ۱۳).

۲-۲-۱۱ کم فروشی

از جمله مسائلی که نظم زندگی و معیشت عموم مردم بر آن استوار است، وفای در معاملات است؛ یعنی باید تعادل و توازن در عوض و معوض رعایت شود؛ و به طور کلی

نگاهی به عادات پسندیده و نکوهیده از دیدگاه قرآن کریم * ۸۹

در معاملات و قراردادهای تعادل منظور گردد و به هر چه دو طرف معامله به آن اقدام نموده‌اند انجام پذیرد و ضرر و زیان متوجه طرفین معامله نشود. بدیهی است کم‌فروش در حقیقت در خیانت به خریدار نموده؛ یکی این که مال از قیمت مورد توافق، برای خریدار گران‌تر تمام شده و دیگر این که خریدار در مقدار جنس و کالایی که مورد نیاز او بوده کسر خواهد آورد. (حسینی همدانی: ۱۴۰۴: ج ۱۸، ۴۰).

«(وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ، وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِنُوا يُخْسِرُونَ. (مطففین/۱-۳)).

«وای بر کم‌فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمان می‌کنند، حق خود را به‌طور کامل می‌گیرند؛ اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمان یا وزن کنند، کم می‌گذارند».

پس مضمون مجموع دو آیه يك مذمت است و آن این است که مطففین حق را برای خود رعایت می‌کنند، ولی برای دیگران رعایت نمی‌کنند؛ و به عبارتی دیگر حق را برای دیگران آن‌طور که برای خود رعایت می‌کنند رعایت نمی‌نمایند و این خود باعث تباهی اجتماع انسانی است که اساس آن بر تعادل حقوق متقابل است و اگر این تعادل از بین برود و فاسد شود همه چیز فاسد می‌شود. (علامه طباطبایی: ۱۳۷۴، ج ۲۰، ۳۷۹).

این آیه از تکان‌دهنده‌ترین آیات قرآن کریم در ارتباط با عمل ناپسند کم‌فروشی بوده و جدی‌ترین هشدار را به کم‌فروشان که عادتشان کم‌فروشی و خوردن حق مردم بوده متوجه کرده است.

• نتیجه‌گیری

یکی از مسائل و موضوعات مهم در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها عادات‌هایی است که برخی اوقات جزء لاینفک زندگی او می‌شود، حال اگر این عادات پسندیده و مورد تأیید شرع مقدس بوده و اسلام نسبت به اهتمام آن دستوری صادر کرده باشد، قطعاً رهایی بخش خواهند بود؛ مانند اهداء سلام به همدگر، صداقت و راست‌گویی در زندگی که اساس زندگی سالم را تشکیل می‌دهد، تواضع و فروتنی در برابر یکدیگر، همیشه به یاد خداوند متعال بودن در تمام حالات چه خوشی‌ها و چه در اوقاتی مشکلاتی در زندگی انسان پیش آمده باشد، علم‌آموزی و یاد دادن آن به دیگران که نیازمند به فراگیری آن هستند، امر به زیبایی‌ها، احسان و احترام

به والدین که مورد تأکید شدید پروردگار هستی است و چه عاداتی که ناپسند و مذموم باشند که زندگی انسان را به سمت تباهی و سقوط سوق می دهند مانند زنده به گور کردن دختران چه جسمی که در جاهلیت قدیم مطرح بوده و چه روحی که در عصر حاضر و جاهلیت مدرن اعمال می گردد، حریص بودن که باعث تضییع حق بقیه ای انسان ها می شود، از یاد بردن یاد خدا، نفاق و دورویی، پیروی کورکورانه از سرگذشت پیشینیان، مرتکب شدن اعمال ناشایست، عادت به دروغ گویی که سلب اعتماد اجتماعی را در پی دارد، خود ارضایی، نوشیدن مشروبات الکلی، کفران نعمت های پروردگار، کم فروشی و ده ها عادت های پسنندیده و نکوهیده ای که احصاء و شمارش آنان از حوصله ای این مقال خارج است؛ و ما در اینجا برخی را به عنوان نمونه بیان کردیم.

∴ منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. احمدی، سید احمد، اصول و روش های تربیت اسلامی، اصفهان، جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۰.
۲. باقری، خسرو، نگاهی به تربیت اسلامی، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی، ۱۳۷۴.
۳. بروجردی، سید محمد ابراهیم، تفسیر جامع، انتشارات صدر، تهران، چاپ ششم، ۱۳۶۶ ش.
۴. تمیم آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محمدعلی انصاری قمی، بینا تهران، ۱۳۳۷.
۵. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، هجرت، قم، بی تا.
۶. حاجتی، محمدباقر، روان شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، مسائل الشیعة، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
۸. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، انتشارات میقات، تهران، ۱۳۶۳ ش.

نگاهی به عادات پسندیده و نکوهیده از دیدگاه قرآن کریم * ۹۱

۹. حسینی همدانی، سید محمد، انوار درخشان، کتاب فروشی لطفی، تهران، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار القلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. شریعتمداری، علی، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۱۲. شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۱۵. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، ۱۴۱۶.
۱۶. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۱۷. عطاران، محمد، آرای مریبان بزرگ مسلمان دربارهٔ تربیت کودک (ابن سینا، غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی)، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، ۱۳۶۶.
۱۸. جودت، تقی علی اشرف، نقش عادت در تربیت اسلامی، بینا، تهران، ۱۳۷۸.
۱۹. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۴.
۲۰. فرهمینی فراهانی، محسن، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران، اسرار دانش، ۱۳۷۸.
۲۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش.
۲۲. قطب، محمد، روش تربیتی اسلام، ترجمه محمد مهدی جعفری، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۵.
۲۳. گوتک، جرالده، ال، مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، ترجمه محمد جعفر پاک‌سرشت، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
۲۴. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، دار الحدیث، قم، ۱۳۷۶ ش.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ ش.

